

آینده اصلاحات اقتصادی روسیه

فیلیپ هانسون^۱

ترجمه بدرالزمان شهبازی

انتخابات پارلمانی روسیه در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۳ نشان داد که اصلاحات اقتصادی دولت نسبت به آنچه که انتظار می‌رفت محبوبیت کمتری داشت. این مسئله تهدیدی است که تلاش برای تثبیت روبل و تشکل اقتصادی مجدد را در آینده نزدیک دربر می‌گیرد. اما تا بهار ۱۹۹۴ شانس موفقیت تغییرات اقتصادی بیشتر به نظر می‌آید. دولت جدید بدون رهبران پیشین اصلاح طلب ۱۹۹۲-۹۳ یعنی ابگور گیدار و بوریس فدروف، موضع سخت پیشین در خصوص سیاست مالی و پولی را حفظ کرده بود. صندوق بین‌المللی پول با اعطای کمک ۱/۵ میلیارد دلاری خاص صندوق به روسیه در ۲۰ آوریل صحت انجام عملیات مالی خود را نشان داد. حتی تسریع در کاهش تولیدات صنعتی سیاست‌گذاران را دچار وحشت و اضطراب چاب بیشتر اسکناس نکرد. بسیار محتمل است که در سیاست و اعمال اقتصادی روسیه در ماههای آتی نوسانات و تغییرات بیشتری به وجود آید. نوسانات سیاسی در مسکو که رودریک برینویت در این مقاله به آن اشاره می‌کند نیز از ویژگی‌های اقتصادی است. تلاش برای ساخت سرمایه‌داری نیز در روسیه جنبه سیاسی دارد.

بحث سیاست اقتصادی: بازیگران صحنه

انتخابات دسامبر ۱۹۹۳ بحث سیاست اقتصادی را در مسکو پُرچین‌تال‌تر از همیشه کرد. این بحث بسیار حساس‌تر از آن چیزی است که خارجی‌ها انتظار دارند و در مورد درست‌ها و نادرست‌های توسعه سرمایه‌داری در روسیه نیست. تاکنون موردی برای هدفهای دیگر وجود ندارد و بحث عمدتاً در مورد ثبات اقتصاد کلان یعنی تلاش برای کنترل تورم با تحدید کسر بودجه دولت و رشد ذخایر پولی است. از میان عواملی که بر سیاست مؤثر است، نگرشهای

۱. Philip Hanson، استاد اقتصاد سیاسی روسیه و اروپای شرقی، دانشگاه بیرمنگهام است.

اقتصادی اهمیت خاصی دارد که جنبه ایدئولوژیکی ندارد.

نظرات ویکتور چرنومیردین^۱، نخست‌وزیر و ویکتور گراشچنکو^۲ رئیس بانک مرکزی روسیه را نمی‌توان به راحتی دانست. آنها هر دو پست‌های عالی را در دوران کمونیسم عهده‌دار بودند و برای روس‌های دارای تفکر سنتی مطمئن‌تر از تازه‌کارهای جوان روشنفکری هستند که به‌طور ریشه‌ای به نظام کهنه حمله می‌کنند. آنها توان رسمی شوروی را برای بیانات مبهم و قضاوت در مورد جریان غالب دارا می‌باشند. ظاهراً پس از ۱۹۹۳ که آنها به حمایت از صنعت که معنای آن سوبسیدهای تورم‌زا بود، تکیه کردند، در سال ۱۹۹۴ به عنوان مادی‌گرایان دیگری متولد شد.

از رهبران واقعی اصلاح‌گرا ۹۳-۱۹۹۲ ایگور گیدار و بوریس فدوروف^۳ خارج از دولت و در پارلمان هستند و مطابق معمول در سیاست‌های معاصر روسیه مخالف یکدیگر و بسیاری از نخبگان بالقوه می‌باشند. گیدار آمادگی بیشتری برای آشتی سیاسی از خود نشان داده است در حالی که فدوروف همچنان رهبر یک گروه پارلمانی کوچک و مفسر بزرگ مقررات پولی است. فدوروف تا اواسط آوریل ابراز می‌داشت که دولت فعلی ممکن است در کنترل تورم موفق شود.^(۱)

گریگوری یاولینسکی^۴ رهبر یابلوکو^۵ یک حزب کوچک اصلاح‌گرا در پارلمان، و مردی که شانس وی برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۹۶ به اندازه دیگران است، از اختلافاتش با گیدار و فدوروف بهره جسته و خود را به عنوان نماینده برنامه اقتصادی جایگزین معرفی می‌کند. پیام سیاسی وی به‌طور خلاصه این است که ثبات از طریق سیاست‌های خشک پولی و مالی به تنهایی از نظر اجتماعی باارزش است. اما در کاهش تورم چندان موفق نیست و سیاست‌های پولی دقیق تا جایی کارآیی دارد که تغییرات بنیادی ریشه‌ای بوقوع پیوسته و اقتصاد دارای شرکت‌های خصوصی انبوهی باشد که مدیران آن بدانند که توسط دولت توقیف نمی‌شوند. وی اندیشه‌های نیژنی نووگورود^۶ یعنی «اصلاح از پایین» را با موفقیت به کار برد. اما یاولینسکی از نعمات مخالفان برخوردار شد. اگر مستقیماً از او پرسیده شود موافق این امر است که در حال حاضر جایگزینی برای سختگیری‌های مالی تحمیل شده از بالا وجود ندارد.^(۲)

به نظر می‌آید که یک گروه نه‌چندان برجسته از سیاست‌گذاران در دولت اکنون نقش مهمی را ایفا می‌کنند. آنها از دانش‌پژوهان جوان پیشینی هستند که محتاطتر از فدوروف و از نظر

1. Victor Charnomyrdin

2. Victor Gerashchenko

3. Boris Fedorov

4. Grigorii Yavlinsky

5. Yabloko

6. Nizhny Novgorod

سیاسی نامشهودتر از گیدار هستند. سرگئی دوبینین^۱ وزیر امور مالی جدید، سیاستهای فدوروفی را ملایم‌تر از رئیس پیشین خود ادامه می‌دهد. الکساندر شوخین^۲ معاون نخست‌وزیر با مسئولیت تام برای سیاست اقتصادی، همیشه در سیاست اقتصاد کلان ضعیف‌تر از فدوروف و حتی گیدار بود اما اکنون ظاهراً از فدوروفیسم جدید حمایت می‌کند. او قویاً از سوی سرگئی واسیلیوف^۳ رئیس پیشین گروه محققان اصلاحات دولت و معاون فعلی وزیر اقتصاد حمایت می‌شود.

آناتولی چوبایس^۴ وزیر خصوصی‌سازی به‌طور عینی اما نه مستقیماً درگیر سیاست کلان است. می‌توان گفت که وی از دیگر اصلاح‌گران اقتصادی مؤثرتر بوده است و صرف‌نظر از تردیدها و محافظه‌کاری‌های ناظران در مورد برنامه عمده خصوصی‌سازی روسیه، این روند را در شرایط دشوار به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای به‌پیش برده است (بسیاری از قسمتهای این برنامه تاکنون فقط جنبه رسمی داشته و در آن بخش خصوصی توسط مدیران و کارگران خود اداره می‌شده و تغییر رفتاری چندانی نداشته است).

در آخر دو گروه بزرگ، قدرتمند وجود دارند که علی‌رغم عدم دخالت در تصمیمات سیاست ملی، دارای نفوذی عمده بر سیاست هستند. یکی رهبران منطقه‌ای منتخب و منتصب از مرکز هستند. اغلب رهبران بومی منتخب اعضای نخبگان محلی شوروی سابق و براساس فهرست مورد تأیید حزب کمونیست هستند. برخی از مقامات محلی (که اکثراً منتصب هستند) به‌طور فعال در اصلاحات اساسی شرکت دارند. بوریس نمتسوف^۵ حاکم جوان استان نیژنی نووگورود یکی از معروف‌ترین چهره‌ها اما تنها نفر نیست. حتی اقلیت رهبران بومی اصلاح‌طلب نیز طرفدار سرسخت سیاستهای خشک مالی نیستند. تثبیت واحد پول مسئله موردنظر آنان نیست بلکه بسته شدن کارخانجات است که آنها را نگران می‌کند. گرچه اکثریت رهبران بومی و نخبگان اصلاح‌طلب نیستند اما در بسیاری از موارد رهبران بومی اصلاح‌طلب عامل و نیرویی برای اصلاحات هستند.^(۳)

گروه دوم به اصطلاح گروههای ذینفوذ بخصوص در بخش کشاورزی، نظامی، نظامی - صنعتی و انرژی هستند. آنها در سطح محلی دارای نفوذ اساسی هستند و فشار دائمی بر دولت مرکزی وارد می‌کنند تا برای حفظ آنها هزینه بیشتری صرف کند آن هم به روشی که مطلوب و طبق عادت آنهاست. از مه ۱۹۹۲ تا اواخر تابستان ۱۹۹۳ آنها تمایل به سلطه‌طلبی داشتند.

1. Sergei Dubinin

2. Aleksandr Shokhin

3. Sergei Vasiliev

4. Anatolii Chubais

5. Boris Nemtsov

یلتسین به‌طور کلی اصلاح‌گران جوان را بویژه تا انتخابات دسامبر ۱۹۹۳ حمایت کرد. اما پس از آن اعمال و گفته‌های وی صرفاً برای جلب حمایت سیاسی و تمایل به اعطای پاداش به گروه‌های مختلف ذینفع بدون توجه به نیازهای ثبات اقتصاد کلان بود.

تداوم بحث اصلاحات

ثبات تنها یکی از چهار جزء انتقال اقتصادی است. عوامل دیگر شامل کنترل‌زدایی قیمت‌ها، باز کردن اقتصاد ملی به روی سرمایه‌داری و تجارت خارجی و انتقال حقوق مالکیت برای مسلط کردن بخش خصوصی بر اقتصاد است. البته در مورد سیاست‌های مربوط به هریک از این عوامل اختلافاتی وجود دارد اما اینها مسائلی نیستند که جنبش‌های سیاسی و گروه‌های ذینفع در مقابل آن صف بکشند. این مسئله ثبات است که در قلب آشفتگی‌های سیاسی قرار دارد.

همچنین، این زنجیره‌های محکم پولی و هزینه‌های عمومی است که طرح‌های مهم اقتصادی را متوقف کرده و مردم را ناتوان می‌کند. به‌درستی اصلاح‌طلبان انتظار دارند که نتایج حاصله در درازمدت مطلوب باشد یعنی اقتصادی که از طریق رشد فعالیت شرکت‌های جدیدی که از منابع به‌طور مؤثرتری استفاده می‌کنند مردم را به سعادت نزدیک‌تر سازد. اما رنج نابرده گنج به‌دست نیاید. به‌همین علت است که ثبات، بیش از خصوصی‌سازی و یا بین‌المللی کردن، هسته جنجال و بحث در روسیه است.

اغلب طرفداران سرسخت انضباط مالی بر سر این بحث می‌کنند که نه آزادسازی کامل و نه سخت‌گیری‌های پولی، هیچ‌کدام تاکنون صورت پذیرفته‌اند و مفهوم گام برداشتن متعادل در راه اصلاحات، مفهومی فریبنده و اغواکننده است و تنها موجب افزایش تورم و طولانی‌تر و سخت‌تر شدن روند انتقال اقتصادی می‌شود. بنابراین بحث طرفداران این است که نباید مبارزه برای کنترل تورم را تضعیف کرد.

قطع سوبسیدهای دولت و به‌دنبال آن هزینه‌های مالی و کسر بودجه همچنان در اولویت است. به‌نظر آنها این استراتژی درست و دقیق، تنها راه کاهش میزان تورم است. زمانی که شرکت‌ها و خانواده‌ها از تورم سریع و غیرمنتظره نهراسند، دگرگونی در سرمایه‌گذاری پیش می‌آید که به بهبود تولید در ۹۶-۱۹۵۵ منجر می‌شود.^(۴)

بلافاصله پس از انتخابات دسامبر ۱۹۹۳ اصلاح‌طلبان پشت‌از کوشیدند تا خوش‌بین باشند و اظهار داشتند که قانون اساسی جدید رئیس‌جمهور و دولت را قادر می‌سازد تا پارلمان را نادیده گرفته و به‌دنبال ثبات اقتصاد کلان باشند^(۵) تا مارس ۱۹۹۴ آشکار شد که پارلمان را نمی‌توان نادیده گرفت.

منتقدان میانه‌رو و سنت‌گرای گیداریسم ادعا می‌کردند که بیشتر در مورد وسیله صحبت می‌کنند تا هدف. آنها بحث می‌کردند که سیاستهای شدید پولی و مالی که تنها به معنای کاهش بیشتر تولیدات و آغاز بسته شدن کارخانجات است، موجب ناآرامی‌های اجتماعی بیشتر شده و تغییری را که اعضای طرفدار اصلاحات اساسی پیش‌بینی می‌کنند تسهیل نمی‌کند. نگرش منتقدین تا حدودی مبتنی بر حدسی است که مردم روسیه چه چیزی را تحمل می‌کنند (کسی نمی‌داند) و یا اینکه مبتنی بر اندیشه‌های مختلفی است که چگونه اقتصاد به دشواری‌های مالی پاسخ می‌گوید. در مواجهه با این بحث که شوک درمانی ظاهراً در لهستان مؤثر بوده پاسخ این است که روسیه متفاوت از لهستان است. در حالی که اندیشه منحصربه‌فرد بودن روسیه برای روسها مسئله‌ای احساسی است و به پیش‌از انقلاب برمی‌گردد، در این مورد بحثهای اقتصادی وجود دارد که آن را حمایت می‌کند.^(۶)

کسانی که مخالف استراتژی اصلاحات گیدار هستند (که برخی از آنها از اعتبارات و اختیارات آزادانه خوبی برخوردارند) در مورد اقتصاد روسیه به ویژگی‌های زیر تأکید می‌کنند که آن را از لهستان متفاوت می‌سازد و به نظر آنها مخالف نتیجه موفقیت‌آمیز فشار پولی است. این ویژگی‌ها از این قرار است: فقدان بخش خصوصی قانونی قابل ملاحظه در دوران کمونیسم، ماهیت نسبتاً بسته اقتصاد شوروی پیشین؛ تولید نظامی انبوه در روسیه؛ و تعداد زیاد کارگران در یک سیستم خدمات‌دهی مرکزی در شوروی که وابسته به یک کارخانه عظیم بوده و آینده آن اکنون در تردید و ابهام است. آنها بر این اعتقادند که تمامی این عوامل، این تردید را به وجود می‌آورد که رنج بردن موجب کسب گنج نمی‌شود و یا حداقل در یک دوران طولانی سیاسی قابل قبول چنین چیزی میسر نیست.

پاسخ اصلاح‌طلبان به این مسئله سه‌جانبه است: اول آنکه کاهش تولیدات در ارقام رسمی مبالغه‌آمیز است. همان‌طور که در زیر می‌آید، این مسئله صحت دارد اما حدود این اغراق و مبالغه مشخص نیست. دوم آنکه هیچ استراتژی جایگزینی وجود ندارد که به بازگشت سیستم اجرایی پیشین منجر نشود. در این خصوص اوکراین نمونه خوبی است و منتقدان متفکر دولت نظیر گریگوری خانین^۱ اقتصاددان، پذیرفتند که برنامه‌های مطرح از سوی احزاب مخالف به‌طور کلی ضعیف است.^(۷) برنامه اصلاح تدریجی پیشنهادی در ژانویه ۱۹۹۴ توسط سه اقتصاددان نسل قدیم یعنی نیکولای پیتراکوف، استانیسلا و شاتالین و لئونید آبالکین^۲، کنترل گسترده

1. Grigory Khanin

2. Uikolai Petrakov, Stanislav Shatalin, Leonid Abalkin

قیمت را در بر دارد. این تطابق ساختاری و تقریباً مطمئن کنترل عملی و رسمی تولیدات را به همراه دارد. (۸) در آخر، نشانه‌های امیدوارکننده‌ای در آینده مشاهده می‌شود.

وضعیت فعلی اقتصاد روسیه

وضعیت کلی اقتصاد روسیه با آغاز تابستان ۱۹۹۴ بسیار نامطمئن و مبهم شد. آمار اولیه، کاهش واقعی تولید ناخالص داخلی را بین سالهای ۹۳ و ۱۹۹۲ در حدود ۱۲ درصد نشان می‌دهد. (۹) در حالی که این کمترین ۱۹ درصد کاهش است که در سالهای ۹۲ و ۱۹۹۱ ثبت شده است و در هر حال کاهش تولیدات بزودی پایان نمی‌یابد. در واقع در سال ۱۹۹۴ کاهش بیشتری هم داشت. در سه‌ماه اول ۱۹۹۴ در بخش صنعتی کاهش تولیدات تسریع شد و میزان آن ۲۵ درصد پایین بود. (۱۰) علاوه بر آن میزان تورم همچنان بالا بود. افزایش قیمت مصرفی در اواخر سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳ در حدود ۸۵۳ درصد بود. (۱۱) اگر افزایش ناگهانی را که به دنبال آزادسازی قیمت‌ها در ژانویه ۱۹۹۲ رخ داد مستثنی کنیم، این مسئله نمایانگر میزان متوسط ماهانه بالاتر میزان تورم، نسبت به سال ۱۹۹۲ است. در فوریه تا ژوئن ۱۹۹۴ میزان تورم قیمت مصرفی به زیر ده درصد در ماه رسید، گرچه همیشه در مورد تداوم این بهبود و پیشرفت تردید وجود داشته است.

تلاش برای کنترل تورم از طریق اعمال مقررات پولی و مالی در سال ۹۳ و ۱۹۹۲ تا حدودی شکست خورد. به‌طور رسمی کمبودهای دولت (از جمله بودجه‌های مختلف مرکزی و محلی و به‌استثنای سرمایه‌های ثبت‌نشده غیربودجه‌ای) معادل $\frac{8}{3}$ درصد تولید ناخالص داخلی در ۱۹۹۳ (۱۲) بود که حتی با معیارهای ضعیف سیاست‌های معاصر غرب، بسیار بالا است. در یک اقتصاد در حال انتقال ابزار داخلی غیرتورمی (یا کمتر تورمی) تأمین کسر بودجه از راه وام گرفتن چندان امکان‌پذیر نیست. وام‌ها یا کمک‌های خارجی گرچه ممکن است کمک کنند اما بندرت می‌توان میان موفقیت و شکست آنها در کنترل تورم تفاوتی قائل شد. این وام‌های خارجی بعداً مشکل توازن در پرداختها را هم به وجود می‌آورد. از همه بدتر آن است که رقم کسر بودجه رسمی روسیه نیز کتمان شده است. هزینه‌های اصلی دولت در سال ۱۹۹۳ به سال ۱۹۹۴ منتقل شد تا بودجه سال ۱۹۹۳ کمی معقول‌تر به نظر آید. یک مقام مسئول ادعا می‌کند که در سال ۱۹۹۳ از نظر مواضع مالی سختگیری‌های جدی شده بود. (۱۳) به گفته این منبع وزیر امور مالی روسیه سال گذشته به ارائه هزینه‌ها بر مبنای نقدینگی پایان داد. این قبلاً، برخلاف روش استاندارد بین‌المللی، تعهدات هزینه‌ای پیش‌بینی نشده و سوبسیدهای شبه‌بودجه‌ای را حذف کرده بود. از آنجایی که بیشتر تعهدات پیش‌بینی نشده شامل کاهش در بدهی خارجی بود

مقادیر سرمایه‌گذاری به گسترش اعتبار غرب منتهی می‌شد.

از نظر داخلی نباید روی تعهدات پیش‌بینی نشده سرمایه‌گذاری کرد. بنابراین آنها به ذخایر پولی و به دنبال آن به فشار تورمی نمی‌افزایند بلکه میزان بدهی‌های قبلی را مانند اعتبارات جدید خارجی می‌افزایند. هرگونه ارزیابی اعمال دولت روسیه در کنترل مسائل مالی نمی‌تواند ساختار بدهی خارجی را نادیده انگارد. همین‌طور تحلیل‌گران نمی‌توانند آنگونه به پیش بروند که گویی تمامی مسائل بر ایشان کاملاً روشن و آشکار است. صندوق بین‌المللی پول برآورد کرده است که کسر بودجه سال ۱۹۹۳ بر یک مبنای قابل مقایسه بین‌المللی، معادل ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی روسیه است در حالی که وزیر امور مالی پیشین روسیه ادعا می‌کرد که بر همان مبنای روش شناختی این میزان ۹ درصد است. (۱۴)

روند اصلاحات موفق نشد الگوهای غالب رفتارهای اقتصادی را تغییر دهد. ظاهراً امور اقتصادی چه در مالکیت دولت، اتحادیه و یا خصوصی شده، همچنان میزان کار و بدهی‌های پیشین را به انتظار کمک‌های دولت نگه می‌دارد. یوگنی یاسین اقتصاددان برجسته‌ای که در آوریل ۱۹۹۴ مشاور اصلی رئیس‌جمهور در امور اقتصادی شد، معتقد است که در اواخر سال ۹۳ بود که بیشتر سرمایه‌گذاران نیاز به کاهش هزینه‌ها را حس کردند. (۱۵)

یکی از نتایج این کار نرخ پایین بیکاری بود. میزان بیکاری ثبت شده رسمی در ژانویه ۱۹۹۴ تنها در حدود ۱ درصد بود ولی تعداد بیکاران موقت بدون دستمزد، از این هم بیشتر است. وزیرکار در ۱۲ ژانویه تعداد بیکاران ثبت شده و ثبت نشده را در حدود ۵ تا ۶ درصد تخمین زد. (۱۶) این میزان از نظر رسمی نزدیک به نصف سال ۱۹۸۹ و بیانگر میزان پایین بیکاری بود.

میزان بدهی‌های معوقه داخلی در اکتبر ۳۰ تریلیون روبل بود و برخی منتقدین دولت پیش‌بینی کردند که تا پایان سال این مقدار به ۷۰ تریلیون روبل (۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی) برسد. (۱۷) در حالی که وزیر امور مالی همچنان آمار پایینی از میزان بدهی‌های معوقه می‌دهد، اقتصاد همچنان مملو از بدهی‌ها و دیون است. شاید در بسیاری از برآوردها از هر ۵ پروژه اقتصادی یکی را بتوان ناموفق خواند اما در سال ۱۹۹۳ ۸ مورد ورشکستگی در این پروژه‌ها گزارش شده است. (۱۸)

در چنین شرایطی شاید بتوان انتظار داشت که ساختار اقتصادی بسته شده و بنابراین تطابق ساختاری و عواقب دشوار آن در پی باشد. این کاملاً صحت ندارد چرا که واقعیت بسیار پیچیده است و در این خصوص کاملاً هم مایوس‌کننده نیست. جدول ۱ نشان می‌دهد که تولید صنعتی (با قیمت‌های ثابت) در سالهای ۹۳-۱۹۹۰ به‌طور چشمگیری تغییر کرد. این تغییرات

احتمالاً برای بهبود و پیشبرد رقابت بین‌المللی ضروری است. استفاده از قیمت‌های بازار جهانی برای تولیدات صنایع زراعی و غذایی به عنوان یک رهنمود سیاسی جدی گرفته نمی‌شود چرا که در اثر سوبسیدهای زراعی غرب اختلافات و شکافهای فاحشی به وجود می‌آید. به علاوه بخش خدمات و بویژه خدمات مالی و دیگر خدمات تجاری به سرعت گسترش یافت. ظاهراً این تطابقات با سرمایه‌گذاری‌های جدید، صورت گرفته و در حقیقت ذخایر سرمایه بسیار کاهش یافته است.^(۱۹) پس باید پرسید که چه تطابقاتی حاصل شده است؟ برخی خطوط تولید به سادگی پایین‌تر از بقیه رفته است.

جدول شماره ۱- بخشهای صنعتی روسیه: میزان تغییر تولیدات ۹۳-۱۹۹۰ و برآورد درصد سود حاصل از فروش طبق قیمت‌های بازار جهانی برای تولید و مصرف مواد

درصد تولیدات ۱۹۹۳ نسبت به ۱۹۹۰ (قیمتهای ۱۹۹۰)	درصد میزان سودهای جزیی ۱۹۹۲ در قیمت‌های بازار جهانی برای تولید و مصرف	
۸۱/۲		بخش انرژی و سوخت
	۷۹	استخراج نفت
	۵۹	صنعت گاز
	-۱۰	برق
	-۳۳	معدن زغال سنگ
۶۵/۱	۳۳	فولاد
۶۵/۰	۳۸	فلزات غیر آهنی
۶۳/۲		پالایش نفت و مواد شیمیایی
	-۱۸	مواد شیمیایی
	-۲۱	پالایش نفت
۵۸/۰	(داخلی) -۱۰	ماشین‌سازی
۵۳/۷	-۳۴	الوار، خمیر کاغذ و کاغذ
۶۲/۵	-۲	ساخت مواد
۴۶/۷	-۳	منسوجات، پارچه و کفش
۶۵/۱	-۷۰	تهیه مواد غذایی
۶۵/۱	-۴۰	کشاورزی

منبع:

Finansovye Izvestiya, 17-23 Feb 1994, p.2, for output charge; Institute ekonomicheskikh problem perekhodnogo perioda, Rossiiskaya, Ekonomika v 1992 g. Moscow, 1993, for column 2.

خطوط تولیدی که (عمدتاً خدمات) به‌طور کامل رشد کرده‌اند تنها به دلیل خارج شدن

افراد از مشاغل قبلی شان بوده؛ نه به دلیل بیرون کردن و اخراج آنها بلکه به صرف امید به درآمد بیشتر. به علاوه «کارخانه جهانی» که ویژگی بسیاری از امور اقتصادی عمده است و از نظام پیشین به جا مانده انعطاف پذیری زیادی در ترکیب تولید آنها می دهد. (۲۰)

جدول شماره ۲ - توازن پرداخت روسیه ۹۳-۱۹۹۲ (میلیارد دلار)

۱۹۹۳	۱۹۹۲	
۴۳/۷	۴۱/۱	صادرات کالا (از جمله طلا)
-۳۴/۲	-۳۶/۹	واردات کالا (از جمله کمکهای بی عوض)
-۳/۳	-۰/۸	تراز خالص خدمات، انتقالها و درآمد ناشی از دارایی ها
۶/۲	۳/۴	تراز حساب جاری
		تراز حساب، سرمایه شخص، ذخایر کمتر
-۲/۵	۵/۴	تغییر
-۲/۹	-۰/۳	تغییر ذخایر
-۰/۸+	-۸/۵	خطاها و سهل انگاری ها
		موارد استثنایی
-۷/۳	-	تغییر در شبکه بانکهای تجاری، دارایی های خارجی
۱۷/۲	۱۴/۰	پرداختهای معوقه و زمان بندی مجدد
۲/۱	۱/۹	صادرات اسلحه

منبع:

M.Sarafanov, paradoksy Platezhnogo balansa, Finansovye Izvestiya 27 Jan-2 Feb 1994, pp.1-2 for 1992. RFE/RL DR, 16 Mar 1994, Goskomstat data for 1993 from Finansovye Izvestiya, 28 Apr-4 May 1994, p.3.

- قسمتهای مشخص شده قابل دسترس در منابع مورد استفاده نیست. علامت منها نشان دهنده افزایش ذخایر و دارایی های خالص ارز خارجی بانکهای تجاری است.

تجارت خارجی نیز پیچیده است. جدول شماره ۲ توازن رسمی میزان پرداختهای ۹۳ را نشان می دهد. فزونی صادرات و واردات نتیجه کاهش فراوان واردات است نه افزایش صادرات. خطاها و سهل انگاری ها تقریباً گنجان خروج سرمایه ها حتی در زمانی است که رشد دارایی های ارزی معتبر در بانکهای تجاری اضافه شده است. ضعف مالی خارجی روسیه با پرداختهای

معوقه و زمان‌بندی مجدد و نیز کاهش میزان تبادلات روبل نشان داده شده است (که در اواخر ۱۹۹۳ کاهش یافت اما پس از اعلام نتایج انتخابات و خروج اصلاح‌گرایان اصلی از دولت تسریع شد). شکست در کنترل ذخایر پولی فشار زیادی برای سپردن ارزهای معتبر به خارج و بی‌اعتمادی به روبل پدید آورد. تهییج تجارت کالاها و به جریان انداختن پول همچنان ضعیف مانده و لذا میزان برآورد به اصطلاح فرار سرمایه ماهانه ۱ میلیارد دلاری قابل قبول و معقول است. (۲۱)

توسعه بخش خصوصی تنها انتقالی است که بسرعت حرکت کرد؛ اما این خصوصی سازی حداقل دارای سه دشمن قدرتمند است. در روسیه بسیاری هستند که می‌کوشند به جای توقف این روند از آن به نفع خود استفاده کنند. در آغاز ۱۹۹۴، ۷۰ درصد پروژه‌های کوچک اقتصادی در روسیه به‌طور رسمی خصوصی شد؛ بیش از نیمی از پروژه‌های دولتی پیشین اعم از کوچک و بزرگ از نظر ظاهری در دست بخش خصوصی بود؛ و از ۱۴/۵۰۰ پروژه بزرگ و متوسط اقتصادی برنامه‌ریزی شده برای تشکیل اتحادیه، ۱۱/۵۰۰ پروژه به فروش رفت که از این جمله ۷۰۰ پروژه و واحد تحقیقاتی از ۲۰۰۰ پروژه در بخش دفاعی بودند. در پایان اولین دوره خصوصی سازی، در اواسط ۱۹۹۴ ۷۰ درصد بخش صنعتی خصوصی شد. (۲۲)

متأسفانه بیشتر خصوصی سازی با مدیریت و کارکنان فعلی و شرط کنترل تساوی دارای ویژگی داخلی دفاعی بود. در سال ۱۹۹۲ دولت در این جهت پیش رفت که در حوزه خصوصی سازی این انتخاب را به مدیریت و نیروی کار بدهد تا ۵۱ درصد حق رأی را در مورد پروژه‌های خود در شرایط ممتاز به دست آورد. این به‌طور گسترده‌ای تحت رهبری مدیران قرار گرفته تا سرمایه‌گذاران خارجی را مستثنی کرده و بکوشد با تداوم و پی‌گیری سوبسیدهای دولت و علی‌رغم مشکلات احتمالی، وضعیت موجود را حفظ کند. این امر به همراه تداوم سیاستهای نسبتاً ملایم بومی در بیشتر دوران سالهای ۹۳-۱۹۹۲ در پشت حدود اتخاذ پروژه‌ها که قبلاً ذکر شد می‌ماند.

در همین حال تنگناهای تولید و کاهش واقعی تقاضا (با مجوزی برای تورم و اغراق در کاهش تولید) بسیاری از پروژه‌ها را در مشکلات مالی باقی گذاشته است. اما در حالی که بسیاری از کارگران پرداختهای عقب‌مانده دارند، آمار حاکی از ۵ درصد افزایش در میزان متوسط دستمزد واقعی در ۱۹۹۳ است.

چنانچه متوسط قدرت خرید کارگران در ۱۹۹۳ کمی بهبود یابد، بر درک چشم‌اندازهای اصلاح اقتصادی دو تأثیر خاص دارد. اول آنکه دلیلی برای شکست مقررات مالی و اعلام خطری

است که مشکلات بعدی را به همراه دارد و دوم آنکه تردیدهایی را در مورد نتایج انتخابات ۱۹۹۳ مطرح می‌کند که حاکی از عکس‌العملی سیاسی علیه اصلاحات بود. سؤالی که در اینجا مطرح است این است که چه اصلاحاتی و به دنبال آن چه عکس‌العمل سیاسی؟ در اوایل ۱۹۹۴ اینکه اکثریت روسها زندگی روزانه را سخت ولی قابل تحمل می‌بینند با یافته‌های حاصل از همه‌پرسی عمومی حمایت شد. احتمال این بحث وجود دارد که نتایج انتخابات یک عکس‌العمل سیاسی است که آنگونه که علیه از دست دادن موضع روسیه در جهان، زوال نهادهایی که مایه افتخار بوده و گسترش جنایات خشن و بی‌نظمی‌های عمومی (۲۳) است، با سیاستهای خشن اقتصادی مخالفت نمی‌کند.

پس اصلاح‌طلبان تا رسیدن انتخابات دسامبر ۱۹۹۳ ادعای رسیدن به چیزی را داشتند؟ می‌توان به امور زیر اشاره کرد: اجرای اولین دوره قانونگذاری تجاری، تسهیل رشد سریع شرکتها، نهادها و فنون جدید عمدتاً در بخش خدمات بازرگانی؛ اولین مرحله خصوصی‌سازی که ممکن است دولت را قادر به توقف حمایت از تولیدات کند، توسعه مؤثر حقوق مالکیت به هنگام انتقال سهام در بازارهای ثانویه سهام و شرکتهای خصوصی شده و در اواخر سال ۱۹۹۳ پیشرفت در کنترل رشد ذخایر پولی و حمله به سوبسیدهای بزرگتر.

آخرین دستاوردها، ظاهراً از فرصتهای به‌دست آمده برای تیم اصلاحات دولت از ۲۱ سپتامبر و انحلال پارلمان تا انتخابات ۱۲ دسامبر ناشی شد. تورم ماهانه به‌طور رسمی به ۱۲ درصد در دسامبر کاهش یافت (در ژانویه ۱۹۹۴ به ۲۲ درصد افزایش یافت) و در دو ماه آخر ۱۹۹۳ میزان وام‌دهی بانک مرکزی بسیار مثبت بود. حجم فشرده اعتبار در اواخر سال ۱۹۹۳ با تورم تطابق یافت. (۲۴) یکی از نتایج آن، کاهش در تورم قیمت مصرفی به میزان متوسط ۱۳ درصد در ماه در سه‌ماه اول ۱۹۹۲ بود. در سه ماه دوم این میزان زیر ده درصد باقی ماند.

طبق بررسی نشریه پول اروپا^۱ که سالی دوبار منتشر می‌شود تا سپتامبر ۱۹۹۳ میزان خطر روسیه از ۱۴۹ به ۱۲۴ از ۱۶۹ کشور رسید. (۲۵) پیشرفتهایی نظیر ثبات اصلاح‌طلبان و طرح بهبودی که اعتماد سرمایه‌گذاران غربی را بیشتر می‌کند ممکن است هجوم چشمگیر سرمایه را به دنبال داشته باشد.

علاوه بر ثبات به‌دست آمده، تولیدات زراعی آشکارا بین سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ حفظ شده است. بخش خصوصی در کشاورزی روسیه هنوز به دلیل قوانین نامناسب در خصوص

زمین، مقاومت مقامات محلی در مقابل تغییرات و فشارهای شدید مالی ناتوان است. با توجه به ویژگی تحریف شده توسعه کشاورزی خصوصی، حاصل کار همچنان تأثیربرانگیز است. به طور کلی اصلاح طلبان می‌توانند دلیل خوبی برای اجرای کامل و دائم سیاست‌هایشان پیدا کنند. احتمال این رویداد مبتنی بر این است که آیا چرنومیردین نخست‌وزیر به اندازه کافی از دو سال گذشته آموخته است تا نتایج فشارهای حاصل از تورم و میزان مشکلات اقتصادی را که کمتر از میزان اعلام شده توسط دولت است؛ ببیند.

بهای انتقال: ارقام و واقعیت

طبق آمار رسمی کاهش فعالیت اقتصادی در روسیه بین سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۳ در حدود ۴۵ درصد بود. این نشان می‌دهد که روسیه از یکی از عظیم‌ترین فروپاشی‌های اقتصادی قرن رنج می‌برد. این واقعیت به‌راستی دردناک است، اما میزان این فروپاشی کمتر از آن بود که اطلاعات رسمی گزارش می‌دهند. دلایل بسیاری برای این گزافه‌گویی‌ها وجود دارد.

اول آنکه، مدیران پروژه‌های دولتی در میزان تولیدات خود مبالغه کردند تا بدین طریق حق‌الامتیاز اجرای طرح خود را بگیرند. این انگیزه برای لاف زدن با کنار گذاشتن برنامه‌ریزی‌ها از بین رفت.

دوم آنکه، برخی از نتایج به‌دست آمده قبل از تغییرات، اثر جنبی ناخواسته و زائد نظام برنامه‌ریزی بود که از بین رفتن آن به کاهش رفاه یعنی آنچه که اقتصاددانان لهستانی آن را نتیجه اجتماعی می‌خوانند منجر شد.

سوم آنکه، زیان تولیدات شامل کاهش تولید نظامی نیز است که کمکی به مصرف یا رشد حجم سرمایه نمی‌کند.

چهارم آنکه، کاهش سرمایه‌گذاری بسیار بیشتر از میزان مصرف بود. این گرچه بالقوه سعادت آتی را آسیب می‌رساند اما زیان فوری برای مردم ندارد.

پنجم آنکه، حرکت قیمت‌ها به سمت تعادل بازار به معنای کاهش کمبودها و لذا صرف وقت است که این سود رفاهی در ارقام تولیدات منعکس نمی‌شود.

در آخر آنکه تولیدات بخش خصوصی در آمار رسمی کمتر گزارش شده بود و بسیار پویاتر از بخش دولتی بود. شرکت‌های خصوصی جدید تولیدات خود را از سطوح بسیار پایین به بالا افزایش دادند. دیگر فعالیت‌های مهم و بلندمدت بخش خصوصی نظیر تولید مواد غذایی خانگی (که در میان جمعیت شهری و روستایی گسترده بود) همیشه مهم و بیشتر از میزان ثبت

شده بود. چنین تولیداتی کاهش و افزایش چشمگیری نداشت.

بنابراین دلایل ذکر شده، سطح مصرف روزانه بیشتر مردم بسیار کمتر از میزان رسمی تولید مواد یا تولید ناخالص داخلی بود. در همین حال کسانی که از شرایط جدید سود جستند فراتر از یک قشر محدود از اغنیای جدیدی هستند که دارای سابقه مافیایی یا اسمی باشند. وزیرکار روسیه تخمین می‌زند که در اواخر ۱۹۹۲ اغنیای جدید در حدود ۴ درصد جمعیت (یعنی ۶ میلیون نفر) را تشکیل دهند، گروه با درآمد متوسط شامل ۱۰ تا ۱۵ درصد و بقیه که تحت عنوان ضعیفا طبقه‌بندی می‌شوند ۳۰ تا ۳۵ درصد و ضعیف‌ترین‌ها ۴۰ تا ۵۰ درصد را شامل می‌شوند.^(۲۶) کاهش جمعیت در این اواخر حاکی از جدی بودن اضطراب عمومی و عدم اطمینان در جامعه است. اغلب مردم اکنون به میزان ۴۰ درصد در شرایطی بدتر از دوران کمونیسم هستند و بسیاری از گروه‌ها هم از نظر مالی وضعیت بهتری پیدا کرده‌اند.

ماهیت خاص تغییر در اقتصاد روسیه

تمامی کشورهای کمونیستی پیشین کاهش ناگهانی ثبت شده رسمی تولیدات را از زمان فروپاشی کمونیسم تجربه کرده‌اند. این مسئله صرفنظر از اینکه آیا آنها به سمت اقتصاد کنترل نشده و خصوصی با ارز تثبیت شده و قابل تبدیل پیش‌رفته‌اند (نظیر اسلوانی، مجارستان، جمهوری چک، لهستان، استونی و لیتوانی) و یا اینکه در میان نظام پیشین و بازار معلق مانده‌اند، صحت دارد. پس کاهش فعالیت اقتصادی را نمی‌توان به دلیل اصلاحات پذیرفت. در حقیقت آشکارترین مشخصه بهبود را می‌توان در اولین گروه (بویژه لهستان و جمهوری چک و آلمان شرقی سابق) پیدا کرد.

روسیه گرچه در سالهای ۹۳-۱۹۹۲ تلاش پیوسته‌ای برای بازاری کردن اقتصاد داشت که به مراتب بیشتر از اوکراین، قزاقستان، رومانی و دیگر کشورهای کمونیست بود، اما این تلاشها با مقاومت سیاسی روبه‌رو بود که بیشتر از مقاومت با اقتصادهای در حال انتقال بود. این قدرت بزرگ سنت‌گراها در روسیه، واقعیت‌های اجتماعی اساسی را منعکس می‌کند که در بیشتر اروپای شرقی و مرکزی کمتر تغییر می‌کند.

برخی از این عوامل اجتماعی، ویژگی خاص توسعه اقتصادی روسیه و شوروی را در گذشته منعکس می‌کرد. تولیدات دفاعی پیمان ورشو تمرکز بسیاری در اتحاد شوروی پیشین داشت. این تولیدات دفاعی اتحاد شوروی سابق بدون بیشتر در روسیه قرار داشت (بخصوص آخرین نوع از سیستم‌های تسلیحاتی). بنابراین روسیه صنعت دفاعی بزرگی دارد که بویژه در

مقابل ترکیب اصلاح اقتصادی و کاهش تسلیحات آسیب‌پذیر است. حجم بسیط و ظرفیت کم جمعیت روسیه از دیگر منابع مشکل‌ساز هستند. سیستم خدمات‌دهی مرکزی در روسیه متداول‌تر از کشورهای کمونیستی پیشین و کوچکتر است. چنانچه پروژه‌ای نتواند با واقعیت‌های جدید تطبیق یابد، یک شهر نه‌چندان بزرگ یا کوچک مورد تهدید قرار می‌گیرد، و فقدان بازار مسکن که پیش می‌آید، حرکت و انتقال برای پیدا کردن کار را مشکل می‌سازد.

عوامل اجتماعی با حساسیت و عینیت کمتری نیز وجود دارد که مانع اصلاح اقتصادی می‌شود. ناظران اغلب، مدت زمانی را که روسها تحت حکومت کمونیسم بودند، عدم تجربه دموکراسی و ضعف حاصل در تمام فعالیتها که مستلزم نظارت قوانین بازی است ذکر می‌کنند. قوانینی که به همکاری و رفتار سازنده از طریق وضع قانون اساسی جدید، توسعه احزاب سیاسی ملی با اساس و پایه‌ای سازمانی و پیوسته، دولتی پاک، حکومتی همگام و سیاست‌گذاری متحد کمک می‌کند.

نمی‌توان اهمیت واقعی این عوامل غیرملموس را ارزیابی کرد؛ اما شکی نیست که آنها در آشفستگی اقتصادی روسیه و پیشرفت محدود تغییر نهادی، نقشی ایفا کرده‌اند. شاید حق با ایستر دایسون^۱ متخصص نرم‌افزار کامپیوتر باشد که می‌گوید روسها بخوبی آموخته‌اند که حول محور سیستمی کار کنند که دیگر به هیچ سیستمی اجازه کار نمی‌دهد. (۲۷)

عامل دیگری که بر روند اصلاحات روسیه مؤثر است ویژگی پراکنده و ناپیوسته قدرت دولت است. روسیه که به اصطلاح یک فدراسیون است دارای قانون اساسی می‌باشد که از گذشته به ارث برده و قدرت و مسئولیت‌های دولتهای فدرال و استونی و مجامع را بخوبی روشن نمی‌کند و شامل ۸۹ حکومت فدرال است - ۵۷ حکومت فدرال آن، استان (استان و نواحی خودمختار) و یا معادل آن هستند، (شهرهای مسکو و سن‌پترزبورگ استان هستند) و ۳۲ جمهوری یا منطقه خودمختار وجود دارد که اسم آنها بیانگر حضور گروه قومی غیرروسی در آنجا می‌باشد.

این ۳۲ جمهوری نامتعارف و میراث سیاستهای ملی استالین هستند که بر طبق آن، قلمرو اسماً به ملیتهای لقب‌دار منتصب است. تنها اقلیتی از این جمهوری‌ها یا مناطق، ملیت ملقبی دارند که بیش از نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند و در برخی از جمهوری‌های دیگر، روسها در اکثریت‌اند. قدرتهای رسمی منتصب به این مناطق ظاهراً غیرروسی، در گذشته ماهیت و معنایی نداشتند در حالی که امروزه منشاء مشکلات‌اند. مثلاً چنین ادعا می‌کند که از فدراسیون

روسیه خارج شده در حالی که ناتارستان مدعی درجه‌ای از خودمختاری است که ابتدا در مسکو قابل قبول نبود. پیمان اخیر میان تاتارستان و دولت فدرال احتمالاً جمهوری‌های دیگر را به ایجاد مشکلات بیشتر تحریک می‌کند. بیشتر این جمهوری‌ها بخصوص در اجرای اصلاحات اقتصادی کند هستند و این علی‌رغم این حقیقت است که روسها بیش از ۸۰ درصد جمعیت فدراسیون را تشکیل می‌دهند. (۲۸)

استانها و جمهوری‌ها تا اواخر ۱۹۹۳ رسماً تحت حاکمیت نمایندگان منتخب در مارس ۱۹۹۰ بودند که عقاید سنتی آنها رقیب عقاید پارلمان روسیه بود که یلتسین آن را در سپتامبر ۱۹۹۳ منحل کرد. در ۹۲-۱۹۹۱ یلتسین حاکمان یا رؤسای دولت را در مناطق منصوب کرد تا به عنوان وزنه‌ای در مقابل سنت‌گرایان محلی عمل کرده و دولت مرکزی را در تعقیب اصلاحات یاری کنند. اما این کارآیی چندانی نداشت.

پارلمان جدید در بردارنده نماد قدرتمند این نخبگان منطقه‌ای است اما هیچ سیستم حزبی وجود ندارد که سیاستمداران منطقه‌ای را با سیاستهای اعلام شده در مرکز پیوند دهد و فقدان قضاوت مؤثر بدان معناست که اجرای محلی قوانین منصوب مقامات مرکزی ضعیف است.

یکی دیگر از ناتوانایی‌های روسیه که لهستان با آن روبه‌رو نبود، میراث واحد پولی است که در ابتدا ۱۴ کشور در آن سهم بودند. این قطعاً مانع تلاشهای گیدار و فدوروف برای کنترل ذخایر پولی بود. حتی هنگامی که جمهوری‌های دیگر شوروی پیشین واحد پولی خود را اتخاذ کرده بودند، جمهوری‌های دیگر که هنوز دارای اعتبارات بانکی روبلی بودند موجب فشارهای تورمی و انتقال مرتبط منابع از روسیه شدند. اما یک نتیجه مبارزه اصلاح طلبان پایان واقعی منطقه روبل بود. حداقل اکنون این امکان برای سیاستگذاران روسی وجود دارد که با عدم اعطای اعتبار به دیگر جمهوری‌ها، مانع گسترش تورم شوند. انتخاب آنها را، سرسختی و یا سستی کلی در موضع مالی تعیین می‌کند. به‌طور کلی فشار اصلی جهت گسترش این اعتبارات برای آنها تأمین مصرف‌کنندگان برای محصولات روسیه است.

چشم‌اندازها

برای اصلاحات اقتصادی روسیه سرنوشت‌های محتمل بسیاری وجود دارد. کلید پیشرفت، ثبات اقتصاد کلان است. این نگرش درست را که رشد سرمایه‌گذاری و تولید باید از

ثبات مالی پیروی کند، نمی‌توان تکذیب کرد، مسئله این است که آیا ثبات می‌تواند به اجرا درآید. اگر نه، در این صورت همچنان از ارزش روبل کاسته می‌شود، ارزش معتبر کنار رفته و اعتماد کافی به آینده قیمت‌ها و به‌طور کلی اقتصاد برای بهبود و تغییر سرمایه‌گذاری نخواهد بود. یا تولیدات همچنان دچار رکود می‌شود و یا در صورت پیشرفت تورم؛ بیشتر از هم فرو می‌پاشد، همانگونه که پول به نفع تبادل کالا، کنار گذاشته شد. کمک غرب بر مقیاسی که از نظر سیاسی قابل قبول است برای دگرگونی تورم چندان کافی نیست، چنان‌گونه که کسر بودجه را نیز نمی‌تواند کاهش دهد.

بودجه ۱۹۹۴ در حقیقت بسیار فشرده است. ارقام منتشر شده کامل نیست و متقابلاً متناقض است اما به‌گونه‌ای طرح‌ریزی شده که کسر بودجه‌ای در حدود ۹/۶ درصد تولید ناخالص داخلی وجود داشته باشد (یعنی ۷۰ تریلیون روبل در مقابل تولید ناخالص داخلی ۷۳۰ تریلیون روبل که طراحان بودجه با آن کار می‌کنند). چنانچه این عملی شود، میزان تورم ماهانه ۸ درصد تا پایان ۱۹۹۴ امکان‌پذیر است. برخی از کسر بودجه به طریق غیرتورمی و از راه اعتبارات خارجی و صدور اوراق قرضه دولتی سه و شش ماهه جبران می‌شود. یک صندوق دولتی مرکزی، در بودجه فدرال برای کمک به اختلافات درون منطقه‌ای اختصاص یافته است. در تمامی این موارد دوبرینین^۱ وزیر امور مالی، سیاستهای بوریس فدوروف را ادامه می‌دهد. تاکنون، سایر بخشهای دولت و بانک مرکزی بیشتر سعی در ایجاد موانع داشته‌اند تا اینکه کمک‌کنند.

دو تردید اصلی در مورد این تلاش مجدد برای ثبات وجود دارد: آیا درآمدهای بودجه برنامه‌ریزی شده می‌تواند واقعاً جمع‌آوری شود و آیا فشارهای منطقه‌ای و گروههای ذی‌نفوذ می‌توانند محدودیتهای هزینه را هم از طریق پارلمان و هم از طریق اعضای دولت کاهش دهند. یک گروه ذی‌نفوذ و مهم، ارتش است. دوبرینین در فوریه گفت که هزینه‌های برنامه‌ریزی شده دولت در آن مرحله از ۲۴۰ تریلیون روبل به ۱۷۳ تریلیون روبل کاهش می‌یابد. در این محدوده هزینه‌های برنامه‌ریزی شده نظامی نیز از ۵۰ تریلیون روبل به ۳۷ تریلیون روبل کاهش می‌یابد.^(۳۰) اگر این صحت داشته باشد (احتمالاً هزینه‌های نظامی کتمان شده است) از هزینه‌های نظامی در راستای هزینه‌های دولت (۲۶ درصد در مقابل ۲۸ درصد) کاسته شده است. این البته به دنبال کاهش شدید هزینه‌های نظامی در ۹۳-۱۹۹۲ بوده است.

طبق گزارش جلسه ۲۸ آوریل کمیسیون امنیت دفاعی شورای امنیت به ریاست آندره کوشین^۱ فشار زیادی برای احیای حداقل برخی از این کاهش هزینه‌ها وجود داشت. صنایع نظامی و دفاعی هر دو در این کمیسیون مطرح شدند. طبق گزارش، شرکت‌کنندگان ادعا کردند که طرح‌های تهیه و توسعه نیرو که قبلاً تصویب شده بود با کاهش هزینه‌ها معلق ماند. کمیسیون برنامه‌ای را مطرح کرد که مجدداً هزینه را افزایش دهد (البته گزارش نشده است که این افزایش تا چه مقدار است). در همین حال هزینه‌های نظامی تا ۴۰ تریلیون افزایش یافت، به عبارت دیگر دولت همچنان ثابت قدم ایستاد و طرح بودجه نهایی نزدیک به پیشنهاد اخیر آنان بود.

تلاش برای ثبات مالی در بطن توسعه اقتصاد بازار کاراً در روسیه قرار دارد. چنانچه برنامه ثبات حفظ شود یکی از ضررکنندگان در کوتاه مدت، ارتش روسیه است. نمی‌توان گفت که چه وقت و تا چه حدودی می‌تواند شانس خود را احیا کند اما می‌توان گفت که چنین شانسی وجود دارد چرا که تولید ناخالص داخلی روسیه روبه بهبود است.

کمک اقتصادی غرب می‌تواند با کم کردن فشار برای تغییرات، مساعدت مؤثری کند اما همیشه از فشارهای جدی و الزام‌آور نمی‌کاهد و ممکن است گاهی اوضاع را وخیم‌تر هم کند. مثلاً وقتی که کمک‌های غذایی، قیمت مواد غذایی را کاهش می‌دهد، انگیزه تولیدکنندگان محلی را برای تولید تضعیف می‌کند. چنانچه تأثیرات کمک‌های غرب منفی و یا خنثی باشد، روسیه با مشکل بدهی‌های خارجی در آینده روبه‌رو است. سیاست‌های داخلی روسیه و توان اجرایی آن به اندازه کمک غرب چشمگیر نیست و هر دو اینها در حال حاضر دچار آشفتگی هستند.

یادداشتها

۱. گزارش AFP از سن پترزبورگ ۱۷ آوریل ۱۹۹۴ از سخنان بوریس فدروف برای بازرگانان غربی.
۲. به نقل از مباحثه‌ای از Ebenhausen و Stiftung Wissenschaft und politik ۱۳ آوریل ۱۹۹۴.
۳. یکی از این موارد منطقه‌ای سنتی کشاورزی غلات کراسنودار (Krasnodar) است که در آن مدیران محلی دولت و مزارع اشتراکی تحت حمایت سیاستمداران محلی و دادگاه‌های محلی، حمله مخالفت‌آمیزی را علیه خصوصی‌سازی مزارع آغاز کردند. مصاحبه با ولادیمیر گرینساینی.

Kuban: ob Yavili Voina fermerum Argumenty i fakty, no.16, 1994, p.5.

۴. رجوع به مصاحبه قبل از انتخابات ایگور کیدار Logika reformy, Ekonomika i zhizn, vol.94, No.I, 1993 سندی

که جزئیات برنامه جتاج اصلاح طلب دولت را شرح می‌دهد، همان برنامه اتخاذی دولت در ۶ اوت ۱۹۹۳ است (مسکو ۱۹۹۳)

Razvitie reform i stabilizatsiya rossiiskoi ekonomiki

۵. از گفتگویی با واسیلی سلینین در انتخاب روسیه ۱۷ دسامبر ۱۹۹۳.

۶. این مباحث خلاصه‌ای از گفتگوهای گریگوری خانین، آلس‌نوه و دیگران در کنفرانس مرکزی مسکو ۱۹-۱۷ دسامبر ۱۹۹۳ است.

۷. گریگوری خانین **Stabilizatsiya ne poluchilas, Ekonomika i organizatsiya promyshennogo proizvodstva, Vol.10, 1993, pp.70-84.**

۸. رجوع به انتقادات آناتولی چوبیس در **Rossiiskie Vesti, 3 Feb 94, p.1.** و در همان منبع **9 Feb Yevgenii Yasin 94, p.2.**

۹. باکوف بورینسون رئیس مرکز اقتصادی **Literaturnaya gazetas Vols, 51/52, No.10, 1993.**

۱۰. وال استریت ژورنال ۱۱ آوریل ۱۹۹۴. این بسیار بزرگتر از همین سقوط در سال گذشته است و حاکی از کاهش تولیدات صنعتی در ۱۹۹۴ به طور کلی است که برخلاف پروژه‌های دولت روسیه در دسامبر ۱۹۹۳ ممکن است بیشتر از کاهش در ۱۹۹۳ باشد.

۱۱. ارزیابی نویسنده مبتنی بر موارد زیر است:

Ekonomicheskie novosti, No.17, 1993, p.6.

Financial Times 2 Dec 1993, p.2

Ekonomika i zhizn, No.49, 1993, p.1, Izvestiya, 31 Dec 1993, p.2

Rossiiskii finansy v 1993 godu. Obzor Ministerstva Finansaov, voprosy ekonomiki, No.1, 1994, ۱۲ pp.3-86.

رقم رسمی ۱۰/۵ درصد به گزارش رویترا از مسکو، ۲ مارس ۱۹۹۴ است.

RFE/RL Daily Report 3 Mar 1994.

دیگر اطلاعات بودجه ۹۴-۱۹۹۳ از **Finansovye Izvestiya 24 Feb- 2 Mar 1994, p.1.**

Rossiiskii finansy v 1993 godu ۱۳.

برای بررسی وسیع این مدرک و تأثیرات آن بر بودجه روسیه در ۱۹۹۴ رجوع کنید به:

Philip Hanson, The Russian budget revisited, RFE/RL Research Report, Vol.3, No.18, May 1994.

Russian Economic Trends, Vol.2, No.3, 1993, Rossiiskii finansy v 1993 godu. ۱۴.

سرمایه‌های غیربودجه‌ای به طور کل مازاد بودند. اما بخش بزرگی از این سرمایه‌ها در توازن پروژه‌ها بوده و در دسترس دولت نبوده تا با آن کسر بودجه را متعادل کند. حتی در سطح منطقه‌ای، سرمایه‌های غیربودجه‌ای شناخته شده کمتری نسبت به سطح فدرال وجود دارد.

15. Yasin, Rossiiskie vesti, 9 Feb 1994, p.2.

16. RFE/RL Daily Report, 14 Jan 1994.

17. Lev Makarevich, Delovye krugi Poprezhnemu Zhdut ot vlasti reshitel nykh reform, Finansovye

Izvestiya, 17 Dec 1993, p.2.

18. RFE/RI, Daily Report, citing Goskomstat and Interfax

۱۹. بوریس نمتسوف در نظریه‌های خود در پیش‌نویس قبلی این مقاله به این نکته و رشد شکاف تکنولوژیکی در کارآیی ماشین‌آلات و مهارت‌های انسان تأکید می‌کند. مورد اول شاید در تولید صحت داشته باشد اما رشد سریع در بازار روسیه و اطلاعات مالی نیز از جنبه اعتباری باید مورد نظر گرفته شود.

۲۰. پروژه‌های دولتی شوروی با حفاظت از اختیارات سیستم تدارکاتی دولتی و با عدم ممانعت از طریق فشارهای رقابتی برای پایین نگه داشتن قیمت‌ها تربیتی داد تا اجزا و دست‌آم‌های خاص که هم‌نایان غربی آنها باید از متخصصان خارجی خریداری می‌کردند را تولید کند.

۲۱. تطابق مسائل مالی با سیل جریان کالاها (مشکلی که در تمام کشورها وجود دارد)، به دلیل کیفیت ضعیف اطلاعات Goskomstat در مورد تحویل کالاها بوده مشکل‌ساز است، که این مبتنی بر گزارش‌های مالی به مقامات مالی است. اطلاعات جایگزین جدید اخیراً از سوی مقامات روسی قابل دسترس است. طبق این اطلاعات در سه ماه اول ۱۹۹۴، واردات روسیه ۶۵ درصد بیشتر از آن است که اطلاعات Goskomstat ارائه می‌کند. رجوع به، Finasovye Izvestiya, 23 June 1994, p.3.

۲۲. همان مبدأ 17-23 Feb 1994, p.2. RFE/RL Daily Report, 1 Mar and 1 Jul 1994.

۲۳. رجوع شود به:

All-Union Center for public opinion poll findings in the Financial Times, 19 Feb 1994, p.22.

این تفسیر را نتایج انتخابات طرح‌ریزی شده از سوی دانشگاه گلاسکو تأیید می‌کند و ولادیمیر کنتورویچ از کالج هاورفورد در مقاله خود در فوریه ۱۹۹۴ آن را بخوبی بحث می‌گذارد. کنتورویچ کاهش ویژگی عالی صنعت تکنولوژی پیشرفته را به‌عنوان یکی از منابع نارضایتی می‌داند. همان‌طور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، گروه‌بندی مجدد صنعت روسیه به همراه مزیت نسبی آن، این صنعت را در حد صنایع ابتدایی نظیر استخراج نفت و گاز پایین می‌آورد.

۲۴. ارقام رسمی بهره وام بانک مرکزی روسیه ۲۱۰ درصد گزارش کرد. اما این گمراه‌کننده است چرا که در بردارنده نرخ‌های ماهیانه نیست. مشکل نرخ بهره واقعی این است که آنچه برای رفتار اقتصادی مطرح است، نرخ بهره اسمی است که برای تورم پیش‌بینی شده تنظیم شده است و احتمالاً نرخ بهره واقعی بالا و غیرقابل پیش‌بینی است. در مورد کاهش حجم واقعی اعتبار (با در نظر گرفتن تورم) در اواخر ۱۹۹۳ رجوع کنید به:

Finasovye Izvestiya, 28 Apr-4 May 1994, p.3.

۲۵. به نقل از خانین (Khanin):

Stabilizatsiya ne poluchilas, and Evgenii vasil'chuk (for Mar 1993) Padenie rynochnykh tsen na energonositeli mozhet pokonchit's rossiiskim eksportom, Finasovye Izvestiya, 17 Dec 1993, p.2.

۲۶. جالب توجه است که وزیر کار برآورد کرد که در حدود نیمی از این اغنایای جدید، جنایت‌کاران هستند.

27. Esther Dyson, «Remaking Russia, by computer», New York Times Magazine, 10 Oct 1993.

۲۸. در مورد میراث قومی - اقلیمی استالین رجوع کنید به:

Victor Zaslavsky, «Nationalism and Democratic Transition in Post-Communist Societies,

Daedalus, Spring 1992, pp.97-123.

در مورد نقش رهبران منطقه‌ای در حوادث پاییز ۱۹۹۳ رجوع کنید به:

Elizabeth Teague, «North-South Divide: Yeltsin and Russia's Provincial Leaders», RFE/RL Research Report, Vol.2, No.47, pp.7-27.

تحلیلی از نفوذ نخبگان بر روند اصلاحات را در

Michael J Bradshaw and Philip Hanson, «Regions, Local power and reform in Russia», in Robert W.Campbell (ed) Issues in Transformation of Centrally Planned economies: Essays in honour of Gregory Grossman (Boulder, co: Westview Press, 1994).

می‌بینیم

۲۹. برای شرح کامل رجوع کنید به:

Philip Hanson, «The Russian budget revisited».

برای جزئیات تأیید بودجه از سوی پارلمان رجوع کنید به:

Financial Times, 25 June 1994, p.3.

برای ارقام آخرین پیش‌نویس رجوع کنید به:

RFE/RL Daily Report, 27 June 1994.

30. Finansovye Izvestiya, 24 Feb- 2Mar 1994, p.1.

31. Nezavisimaya gazeta, 30 Apr 1994, pp.1 and 3.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی